

در پایان سال ۱۳۸۵ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را طی مقاله‌ای تشریح کرده بودم و این سال را بدترین سال سیاست خارجی کشور پس از انقلاب اسلامی دانسته بودم؛ بزرگ‌ترین شکست‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، یعنی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اتفاق آراء علیه اظهارات رییس‌جمهور ایران به عنوان دو پدیده مهم تاریخ سیاست خارجی ایران، متعلق به این سال بودند. در پایان این گزارش، چشم‌انداز آینده سیاست خارجی ایران را نامیدکننده توصیف کرده بودم و در عین حال آرزو کرده بودم سال ۱۳۸۵ برای همیشه بدترین سال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باقی بماند. اکنون سال دیگری به پایان می‌رسد.

هر چند سال ۱۳۸۶ هم مسیر سیاست خارجی سال ۱۳۸۵ را دنبال کرد، اما فرصت‌سوزی‌های این سال، ویژگی‌هایی هستند که آن را از همه سال‌های گذشته متمایز می‌کنند. برغم تمامی جاروجنجال‌ها و شعارها و تبلیغات و درشت‌گویی‌ها علیه دیگران، سال ۱۳۸۶ آکنده از رفتارهای انفعالی است. در پس سخنان تند تبلیغاتی مسئولان کشور، بی‌ملاک بودن و انفعال سیاست خارجی در همه زمینه‌ها در یک سال گذشته موج می‌زند، سال ۸۶ از این منظر، وضعیتی بهتر از سیاست خارجی سال ۱۳۸۵ نداشته است.

سال ۱۳۸۶ با مراسم بدرقه عده‌ای از سربازان دون‌پایه متجاوز انگلیسی به آب‌های سرزمینی ایران توسط رییس‌جمهور و اعضای دولت آغاز شد. آزادی این سربازان طی یک مراسم باشکوه و رسمی، پس از آن انجام می‌گرفت که آمریکا و انگلیس به صورت ضمنی ایران را در صورت آزاد نکردن آنان، به برخورد نظامی تهدید کرده بودند. این سال با قطعنامه سوم شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران و در فضای انتخاباتی که وجهه مردم‌سالاری ایران در منطقه را تحت تاثیر قرار داده، پایان یافت. در این سال خطاهای بسیاری در حوزه سیاست خارجی، از مسئولان کشور سر زد و فرصت‌های بی‌شماری از دست رفت و مشکلات زیادی در حوزه‌های مختلف برای کشور به وجود آمد. در این جا به تفصیل به بررسی تحولات مهم‌تر می‌پردازیم.

#### ۱. فرصت‌های غالباً از دست رفته سیاست خارجی در سال ۱۳۸۶

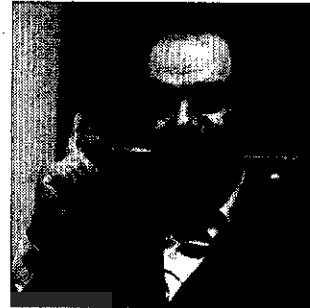
تحولات بین‌المللی بخصوص در مناطق پرتحرک، مانند غرب آسیا و خاورمیانه، همواره آکنده از فرصت و تهدید است. نه همه فرصت‌ها توسط بهره‌برداران ساخته می‌شود و نه همه تهدیدات ناشی از تدبیر دشمنان است. در صحنه جهانی پدیده‌ها غالباً چند علتی و به صورت همزمان، حامل فرصت و تهدید هستند. یک سیاست خارجی موفق باید بتواند در مواجهه با تهدیدات و فرصت‌ها، تهدیدات را کنترل کند و از فرصت‌ها بهره بگیرد. حتی ممکن است کشورهای فاقد ابتکار و قدرت دیپلماتی کافی، با پدیده‌هایی مواجه شوند که مدیریت آن‌ها فرصت‌های ارزشمندی برای کشورشان فراهم کند. متقابلاً بروز تهدید، الزاماً ناشی از بی‌تدبیری کشور مورد تهدید نیست و ممکن است یک رویداد تهدیدکننده، بدون خطای چشمگیر یک کشور، آن کشور را در معرض خطر قرار دهد. سیاست خارجی کارآمد باید بتواند ضمن تلوم بخشیدن به استراتژی‌ها و برنامه‌های خود، در مسیر همان برنامه‌ها، تهدیدات را به نفع استراتژی خود خنثی کند و از فرصت‌ها برای پیشبرد استراتژی خود بهره گیرد.

در سه دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران دائماً با رویدادهای حامل فرصت و تهدید مواجه بوده است. از مزیت‌های مهم سیاست خارجی دولت آقای خاتمی، قدرت واکتس دست سیاست خارجی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کنترل تهدیدات بود.

سال جاری برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سالی سرشار از فرصت بود. بخش عمده این فرصت‌ها، بدون کمترین تلاش ایران محقق شده بود. دولت ایران می‌توانست با مدیریت درست آن‌ها ایران را از شرایط بحرانی خارج کند، اما عملاً نه تنها از بسیاری از این فرصت‌ها، بلکه حتی از فرصت‌هایی که دولت با هزینه خود ایجاد کرده بود، استفاده نشد.

#### فرصت هسته‌ای، تاخیر در صدور قطعنامه سوم

در آغاز سال ۱۳۸۶ دولت ایران با سر و صدا درباره تولید چند هزار دستگاه سانتریفیوژ با خط تولیدی که از دولت قبلی تحویل گرفته شده بود، این تحول را اوج پیشرفت مورد نظر کشور قلمداد کرد و در پی آن، در صدد تفاهم با جامعه بین‌المللی برآمد. ایران در فرآیند مذاکراتی خود با سایر کشورها،



## سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶

محسن امین زاده\*

وارد معامله عجیبی با جامعه جهانی شد و پذیرفت پرسش‌های ناگفته را پاسخ دهد. مشروط بر آن که قطعنامه جدیدی علیه ایران صادر نشود. ایران پذیرفت درباره مطالعات ادعایی مطرح شده نیز پاسخ دهد. در همان زمان این هشدار داده شد که گرچه این اقدام مناسب است اما اگر ایران در فرصتی که به دست می‌آورد، نتواند راه‌حلی درازمدت برای پرونده هسته‌ای خود بیابد، با مشکلات بزرگ‌تر و بغرنج‌تری مواجه خواهد شد. ایران طی سال جاری تقریباً همه حرف‌های ناگفته خود را با آژانس انرژی اتمی در میان گذاشت و از مسائلی پرده برداشت که به دولت قبلی حتی اجازه طرح آن نیز داده نمی‌شد. ایران در این دوره به بازرسان آژانس اجازه داد از تمامی نقاط مورد نظرشان دیدن کنند و تقریباً با همه کسانی که تشخیص می‌دهند، حتی مقامات نظامی گفت‌وگو نمایند. اعتقاد اغلب کارشناسان آن است که اگر ایران پیش از ارجاع پرونده‌اش به شورای امنیت این همکاری گسترده را با آژانس انجام می‌داد، سرنوشت پرونده ایران به شکل دیگری رقم می‌خورد، همکاری‌های گسترده‌ای که حتی فراتر از تعهدات پروتکل الحاقی، دست بازرسان خارجی را در ایران باز گذاشته بود. بدیهی است که با این همه گشاده‌دستی، اگر ایران استراتژی روشنی برای جمع کردن مساله نداشته باشد، در پایان مهلت همه چیزهایی را که برای معامله در اختیار دارد از دست می‌دهد و چاره‌ای جز به تأخیر انداختن تصمیمات دیگران علیه خودش نخواهد داشت. قطعنامه سوم و پیش از آن گزارش البرادعی، بیش از هر چیز حکایت از آن دارد که دوره ماه‌عسل یک‌ساله ایران و آژانس انرژی اتمی پایان یافته و بعد از کسب اطلاعات مهم آژانس از مسائل ناگفته هسته‌ای ایران، دو طرف به نقطه اول بازی بازگشته‌اند و اندکی نیز فشار به ایران را افزایش داده‌اند. به این ترتیب آن فرصت زمانی که با گشودن درها به روی بازرسان خارجی در حدی بیش از پروتکل الحاقی به دست آمده بود، در پایان سال جاری به اتمام رسید و ایران عملاً نتوانست در این فرصت به راه‌حل ماندگاری دست یابد. این فرصت از جمله فرصت‌هایی بود که ایران با هزینه گزاف همکاری بی‌قید و شرط با آژانس انرژی اتمی به دست آورد، اما تاکنون نتوانسته از آن به شکل مطلوب بهره‌برداری کند.

**گفت‌وگو و همکاری امنیتی با آمریکا در عراق**  
مسئله آمریکا در عراق به همکاری ایران نیاز دارد. ایران تنها کشور همسایه عراق است که برغم مخالفت شدید با حمله آمریکا به عراق، اکنون از تحولات پیش آمده در اثر حمله آمریکا، مواضعش با استقرار وضعیت فعلی عراق کاملاً سازگاری دارد. مسلمانان آمریکا به همکاری ایران، فرصت بزرگی برای سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود، اما در عین حال بارها گفته شده است ایران نباید انتظار بهره‌برداری نامحدودی از این فرصت داشته باشد و مناسب است که با درک همه جوانب آن، در حد ظرفیت موضوع از آن بهره‌برداری کند.

در سال جاری گفت‌وگوی مستقیم ایران با آمریکا در عراق رخ داد و طی چند دور مذاکره، درباره مسائل امنیتی مهم مربوط به عراق با آمریکاییان گفت‌وگو شد. این گفت‌وگو در حالی انجام گرفت که به تعبیری، ایران پیش از گفت‌وگو بخشی از دستاوردهای محتمل آن را از دست داده بود، زیرا آمریکا با ترتیبات زیر ایران را در موضع انفعالی قرار داده بود و در واقع ایران را مجبور به مذاکره کرده بود:

۱. آمریکایی‌ها گزارش خود در سال ۲۰۰۶، ایران را در راس حامیان تروریسم جای داده بود و ادعا کرده بود بخش قابل توجهی از ترور آمریکاییان در عراق تحت حمایت و هدایت ایران انجام می‌شود و ایران صادرکننده بمب‌های کنار جاده‌ای برای کشتن آمریکاییان در عراق است. این گزارش در ادامه منجر به تحریم فروش تسلیحات ایرانی به کشورهای دیگر به اتهام حمایت تسلیحاتی تروریست‌های جهان طی قطعنامه دوم شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران شد. همچنین تبلیغات دولت آمریکا در مورد کمک ایران به ترور سربازان آمریکایی در عراق، در داخل آمریکا، فضای علیه ایران را تشدید کرد.

۲. آمریکا با حمله به کنسولگری ایران در اربیل و دستگیر کردن ماموران ایرانی، آنان را به حضور غیر قانونی و مشکوک در عراق متهم کرد. هر چند تصور می‌شد ایران حداقل شروع مذاکره خود با آمریکاییان را مشروط به آزادی این ماموران کند، اما مذاکرات بدون هرگونه تعهدی برای آزاد شدن ماموران زندانی ایرانی آغاز شد و این روند تا ماه‌ها بعد هم ادامه یافت.

۳. وزیر خارجه ایران چند ماه قبل از آن، مهمانی

اجلاس شرم‌الشیخ در مورد عراق را به بهانه حضور یک بیانیه‌ست زن با لباس بدون آستین، ترک کرد و از نشستن نزدیک وزیر خارجه آمریکا خودداری نمود.

مذاکرات ایران و آمریکا در عراق، نتیجه چشمگیری برای ایران نداشت. این تحول مهم عملاً با موضع انفعالی ایران و شیوه مدیریت آمریکا، تنها به موقعیتی برای دفاع ایران از خود در مقابل اتهامات مطرح شده از سوی آمریکا بدل شد. در عین حال این تحول باعث جلوگیری از وارد آمدن فشار بیشتر به ایران در رابطه با تروریست‌های عراقی و کمک به دوستان ایران در عراق برای افزایش امنیت در عراق گشت. همچنین برای اولین بار این مذاکرات منجر به تابو زدایی از بحث گفت‌وگو با آمریکا در سیاست خارجی ایران گردید.

تصور می‌شد این گفت‌وگوها منجر به تحولی در سایر مسائل ایران و جامعه بین‌المللی، بخصوص در بحث هسته‌ای هم بشود؛ اما چنین شرایطی ایجاد نشد و دست ایران در برخورد با مساله، در حدی پر نبود که ادامه همکاری خود را به معامله بگذارد. در آخرین تحول مربوط به موضوع، در هفته گذشته به دنبال لغو مکرر مذاکراته دور جدید این مذاکرات در حالی توسط آمریکا لغو شد که هیأت ایرانی برای مذاکره به بغداد رفته بود.

صرف‌نظر از چگونگی تلاطم این روند، این مذاکرات فرصتی از دست رفته محسوب می‌شود که در انفعالی‌ترین شرایط ایران انجام شد و دستاورد قابلی برای رفع مشکلات بین‌المللی ایران نداشته و حتی اتهامات علیه ایران در رابطه با حوادث تروریستی عراق را هم بایگانی نکرد. این فرصت از جمله فرصت‌هایی بود که دولت ایران هزینه گزاف پذیرش مذاکره با آمریکا تحت شرایط اتهامی و در حالت بازداشت ماموران ایرانی را بابت آن پرداخت کرد و در مقابل تنها کم رنگ شدن اتهامات علیه ایران و بهبود امنیت در عراق را به دست آورد.

**اختلافات روسیه و آمریکا بر سر استقرار سپر موشکی آمریکا در اروپا**

اختلافات روسیه با آمریکا و تأثیر آن بر رفتار روسیه نسبت به ایران، یکی از فرصت‌های غیرمنتظره برای ایران در سال گذشته بود. به دنبال تصمیم آمریکا مبنی بر مستقر کردن سپر دفاع موشکی در جوار مرزهای اروپایی روسیه،

روسیه تصمیم به مقابله و برخورد گرفت. این کشور به درستی باور داشت که استقرار سپر موشکی آمریکا در جوار مرزهای غربی روسیه، برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم موازنه موشکی و هسته‌ای روسیه و آمریکا را بر هم می‌زند و روسیه شانس واکنش متقابل بازدارنده در مقابل حمله موشکی آمریکا را از دست می‌دهد. روسیه حتی حاضر به معامله با آمریکا شد و پیشنهاد کرد اگر آمریکا نگران حمله موشکی ایران است روسیه می‌تواند مشترکا با آمریکا یک سپر دفاع موشکی در مقابل مرزهای شمال غربی ایران در داخل پایگاه‌های روسیه در آذربایجان ایجاد کند. این پیشنهاد که از سوی ایران نادیده گرفته شده مورد توجه آمریکا هم قرار نگرفت و آمریکا به کار خود ادامه داد.

روسیه در گام بعدی تصمیم گرفت از همه ابزارهای خود برای اعمال فشار به آمریکا استفاده کند و یکی از این ابزارهای اعمال فشار، گسترش روابط روسیه و ایران در حوزه‌هایی بود که آمریکا نسبت به آن‌ها حساسیت داشت. با پیشنهاد ضمنی روسیه اجلاس خزر در تهران تشکیل شد تا به بهانه آن آقای پوتین در سال آخر ریاست جمهوری خود به ایران سفر کند و طی نصف روز با رهبری ایران دیدار نماید و درباره مسائل هسته‌ای گفت‌وگو کند. ادامه تهدیدات روسیه منجر به ارسال محموله اول سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر نیز شد. آقای پوتین روز بعد از سفر به تهران تندترین مواضع خود را علیه آمریکا اتخاذ کرد و تهدید نمود رفتار آمریکا را تحمل نخواهد کرد. این اقدامات حداقل به کند شدن فرآیند استقرار سپر موشکی آمریکایی در اروپا انجامید و تاکتیک روسیه در وجه‌المصالحه قرار دادن ایران تا حدی برای روسیه نتیجه‌بخش بود.

هر چند سفر آقای پوتین و به تبع او، روسای جمهور سه کشور دیگر حاشیه دریای خزر به ایران، برای سیاست خارجی به انزوا کشانده شده ایران موهبتی بود و ارسال سوخت بوشهر نیز اگر منجر به راه‌اندازی این نیروگاه نشود، خطر انهدام آن را کاهش می‌دهد اما در همین مرحله طی گفت‌گوهای مختلف به مسئولان سیاست خارجی هشدار داده شد درباره رفتار روسیه دچار اشتباه نشوند. روسیه هرگز از مشی خود در حمایت از توقف غنی‌سازی در ایران، دست بر نخواهد داشت و آنچه اتفاق افتاده نتیجه تاکتیک

هوشمندانه روسیه برای حل مشکلات خودش است و چندان دوام نخواهد یافت. به مسئولان توصیه شد ضمن آن که خوب است حداکثر استفاده را از این فرصت خلق‌الساعه بکنند اما به امید روسیه هم نشینند و از فرصت موقت پیش آمده برای به تأخیر افتادن تصمیمات علیه ایران استفاده کنند و به فکر چاره‌ای کارساز برای پایان دادن به بحران باشند.

متأسفانه مسئولان آن قدر در مقابل سفر غیرمنتظره پوتین و ارسال باور نکردنی سوخته هیجان‌زده شدند که به جای درک درست شرایط، مجدداً گرفتار باورهای گذشته گشتند. با صدور قطعنامه سوم که رای قاطع روسیه را نیز همراه خود داشته این باورها موقتا از بین رفت.

### گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران

از فرصت‌های غیرمنتظره دیگری که ایران در سال ۱۳۸۶ با آن مواجه شد، گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. این گزارش که جمع‌بندی ۱۶ نهاد اطلاعاتی آمریکاست، مدعی است ایران تا سال ۲۰۰۳ میلادی درصد ساخت بمب اتمی بوده، اما از سال ۲۰۰۳ این برنامه را کنار گذاشته است. هر چند این گزارش از وجه تهدیدکننده تثبیت مقاصد نظامی صنایع هسته‌ای ایران نیز برخوردار است اما به هر حال تأیید می‌کند که از سال ۲۰۰۳ هیچ فعالیت مبهمی در جهت فعالیت نظامی ثبت نشده است. این گزارش در حالی منتشر شد که بعد از سفر رییس‌جمهور ایران، فضای علیه ایران در آمریکا بسیار تند شده بود و زرمزه حمله نظامی به ایران بیش از همیشه بالا گرفته بود. این گزارش که تأثیر شدیدی در کاهش فضای تند حمله نظامی به ایران داشته در آمریکا نیز موجی از شگفتی برانگیخت. تحلیلگران معتقد بودند این گزارش قبل از انتشار، فاش شده و دولت آمریکا عملاً مجبور به انتشار آن شده است. آنان معتقد بودند کسانی در انتشار این گزارش نقش داشته‌اند که به شدت از عملیات نظامی قریب‌الوقوع علیه ایران نگران بوده‌اند. صاحب‌نظران معتقدند در آمریکا نه تنها دموکرات‌ها به شدت با امنیتی شدن فضای جهانی و تشدید نظامی‌گری‌های آمریکا پیش از انتخابات ریاست جمهوری این کشور مخالفند و آن را به نفع خود نمی‌دانند، بلکه میانه‌روهای

جمهوری خواه و بخش عمده‌ای از مقامات نظامی و امنیتی آمریکا نیز با یک حمله نظامی دیگر توسط بوش مخالف هستند. به نظر می‌رسد تمام یا بخشی از این مخالفان متنوع حمله نظامی آمریکا به ایران، در انتشار گزارش سازمان‌های امنیتی نقش موثر داشته‌اند.

به هر حال انتشار این گزارش تأثیر زیادی در کاهش فضای تبلیغاتی علیه ایران داشت و دستاویز کشورهایی شد که خواهان به تأخیر انداختن فشار ایران در شورای امنیت بودند. در ایران، مسئولان با واکنشی قدرشناسانه درباره گزارش صحبت کردند و از این فرصت به عنوان پیروزی ایران یاد شد. نفس قدرشناسی مسئولان عالی رتبه کشور نسبت به گزارش ماموران جاسوسی آمریکا که بر اساس اطلاعات پنهان به دست آمده از ایران تهیه شده بود، خود جای بحث فراوان داشته اما پیش از آن، گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا با خوش‌باوری‌هایی همراه شد و این تصور را به وجود آورد که مشکل ایران در حال حل شدن است.

مسئله این گزارش یکی از مهم‌ترین فرصت‌های غیرمنتظره سیاست خارجی در سال ۱۳۸۶ بود.

سال ۱۳۸۶ با مراسم بدرقه عده‌ای از سربازان دون پایه متجاوز انگلیسی به آب‌های سرزمینی ایران توسط رییس‌جمهور و اعضای دولت آغاز شد. آزادی این سربازان طی یک مراسم باشکوه و رسمی، پس از آن انجام می‌گرفت که آمریکا و انگلیس به صورت ضمنی ایران را در صورت آزاد نکردن آنان، به برخورد نظامی تهدید کرده بودند

همه مخالفان برخورد نظامی آمریکا به ایران از این گزارش استفاده کردند اما ایران از این گزارش به عنوان ابزار حل مسائل خود در صحنه بین‌المللی سود نبرد. همه بهره این گزارش موقتی بود و با گزارش جدید البرادعی، طرح اتهامات جدید درباره مقاصد نظامی ایران و قطعنامه سوم، اعتبار خود را به عنوان یک فرصت از دست داد.

مجموعه فرصت‌های یاد شده، سال ۱۳۸۶ را به خاطر فرصت‌های غیرمنتظره برای سیاست خارجی ایران، به یک سال استثنائی بدل کرده است. در عین حال به دلیل از دست رفتن اغلب این فرصت‌ها و ناتوانی سیاست خارجی کشور برای به دست آوردن نتایج ملموس از آن‌ها، برای حل مسائلی ملی و بین‌المللی ایران، عملکرد سیاست خارجی در سال ۱۳۸۶ موجب به هدر رفتن فرصت‌های بین‌المللی کشور در این سال شد.

## ۲. سفرهای رییس‌جمهور به خارج از کشور در سال ۱۳۸۶

رییس‌جمهور، نماینده مردم و نظام و مظهر اقتدار ملی در روابط خارجی است. سفر رییس‌جمهور ایران به خارج از کشور به مفهوم عالی‌ترین سطح سفر مقامات ایرانی به خارج از کشور است و شیوه برنامه‌ریزی و تدارک سفر رییس‌جمهور باید با درک این ملاحظات صورت گیرد. اگر از رییس‌جمهور ایران در عالی‌ترین سطح استقبال نشود و آداب تشریفات بین‌المللی در مناسبترین شکل انجام نشود، توهین نسبت به ملت و دولت ایران تلقی می‌شود. حتی سفر خصوصی مقامات عالی کشورها تابع آداب و تشریفات خاص خود است. هیچ رییس‌جمهوری بدون اطمینان نسبت به همه این جوانب اقدام به سفر به یک کشور بیگانه نمی‌کند.

سفرهای مقامات عالی کشورها معمولاً برای انجام مذاکرات کارشناسی و حل مسائل لاینحل است. پیش از چنین سفری همه مذاکرات مقدماتی انجام می‌شود و همه تفاهمات به نتیجه می‌رسد و همه چیز تدارک دیده می‌شود تا طی سفر رییس‌جمهور، انجام آن تفاهمات میان دو طرفه به نمایش گذاشته شود. بر همین اساس تدارک سفر رییس‌جمهور کاری مهم و حساس است. تن دادن به عدم رعایت آداب تشریفات از سوی میزبان، می‌تواند به معنای انفعال و درماندگی رییس‌جمهور مهمان باشد.

با توضیحات فوق، در این‌جا از اشاره به سفرهای کم‌اهمیت، بی‌هدف و تکراری به برخی از کشورهای جهان صرف‌نظر می‌شود و به موارد مهم‌تری پرداخته می‌شود که برخلاف تبلیغات رسانه‌های دولتی کشورمان، به نظر من انجام آن‌ها دستاوردی برای ملت ایران نداشته است.

## سفر به نیویورک

سومین سفر رییس‌جمهور ایران به نیویورک ظرف مدت دو سال، حاصلی برای سیاست خارجی ایران نداشت. اما اتفاق‌های حاشیه این سفر آن را به سفری خاص برای ایران بدل کرد. در رابطه با این سفر نکات ذیل حائز اهمیتند:

۱. روزهای پیش از سفر رییس‌جمهور ایران، رسانه‌های شهر نیویورک مملو از مطالب توهین آمیزی بود که تاکنون درباره یک رییس‌جمهور مهمان سازمان ملل، به این شدت به کار گرفته نشده است. این مطالبه نشانه قصد آمریکا برای تخریب رییس‌جمهور ایران در سفر به نیویورک بود. با در نظر گرفتن ملاک‌های سیاست خارجی ایران در گذشته، چنین برخوردهایی برای لغو سفر رییس‌جمهور کافی به نظر می‌رسید.

۲. نشانه‌های بارزی حکایت از فضای توهین آمیز علیه رییس‌جمهور ایران داشت. کارشناسان امر بدیهی می‌دانستند که رییس‌جمهور نباید به صحنه‌ای وارد شود که او را به باد دشنام و توهین بگیرند، زیرا این پدیده با نام و یاد او و کشورش به ثبت خواهد رسید. اما برغم تلاش کارشناسان وزارت امور خارجه، این نشانه‌ها نادیده گرفته شد و این سفر انجام شد.

۳. رییس‌جمهور ایران به نیویورک سفر کرد و در یک برنامه جنبی در دانشگاه کلمبیا، در معرض توهین آمیزترین سخنانی قرار گرفت که هرگز حتی بخشی از آن برای یک رییس‌جمهور مهمان سازمان ملل در شهر نیویورک به کار نرفته بود. هر چند واکنش همراه با اعتماد به نفس رییس‌جمهور و تجدیدنظر وی در موضعی که بیان آن در گذشته از زبان او، موجب بروز واکنش‌های تندتری علیه ایران شده بود، تا حدی ابعاد فاجعه را کنترل کرد، اما نفس برگزاری این مراسم و توهین‌های بی‌امانی که به رییس‌جمهور ایران شد، زیننده نماینده ملت ایران نبود.

۴. طبعاً انتظار می‌رفت طراحان سفر نیویورک مورد مواخذه قرار گیرند، اما نهایتاً آن دسته

مدیران وزارت خارجه که تلاش کرده بودند از سفر رییس‌جمهور به نیویورک و سخنرانی وی در دانشگاه کلمبیا جلوگیری کنند، برکنار شدند. در ایران، سخنرانی رییس‌جمهور در دانشگاه کلمبیا با سانسور بخش‌های دیگر مراسم پخش شد و از آن به عنوان یک پیروزی تجمید گشت.

## سفر به امارات متحده عربی و اجلاس سران کشورهای خلیج فارس در قطر

با توجه به تأثیر تلطیف‌کننده سفر رییس‌جمهور به یک کشور خارجی، به طور اصولی سفر به کشورهای همسایه مثبت است اما سفر به کشورهای امارات و مهم‌تر از آن شرکت در اجلاس سران کشورهای همکاری کشورهای خلیج (فارس)، سفرهایی نامناسب تلقی می‌شود. سفر به امارات متحده عربی به دلیل اظهارات صریح‌تر مقامات این کشور درباره ادعای کشورشان نسبت به سه جزیره ایرانی خلیج فارس، سفری شایسته نبود. در تمامی سال‌های دولت اصلاحات، دولت امارات متحده عربی مشتاقانه علاقه‌مند به انجام سفر رییس‌جمهور ایران به آن کشور بود؛ اما بنای آقای خاتمی آن بود که وقتی به امارات سفر کند که مشکل ادعاهای نادرست کشور امارات نسبت به جزایر ایرانی حل شده یا حداقل این مشکل بسیار کوچک شده باشد و در نتیجه سفر رییس‌جمهور ایران، باعث تقویت تمامیت ارضی کشور شود. نتایج سفر رییس‌جمهور ایران به امارات عربی متحده نشان می‌دهد که این سفر بدون توافقات مقدماتی لازم انجام شده بود و باعث شد نه تنها فضای روابط دو جانبه بهبود نیابد، بلکه به دلیل طرح موکد مسائل مورد اختلاف تلخی‌های جدیدی نیز در فضای روابط دو کشور شکل بگیرد.

سفر رییس‌جمهور به اجلاس سران کشورهای خلیج فارس در دوحه بعد از سفر رییس‌جمهور به امارات و همچنین بعد از سفر رییس‌جمهور به دوحه برای شرکت در بازی‌های آسیایی، وضعیت را بدتر کرد. برخی نکات مهم مربوط به سفر از این قرارند:

- تشریفات که برای حضور رییس‌جمهور ایران در سطح اجلاس تدارک شده بود، نه تنها در شان یک رییس‌جمهور مهمان این اجلاس نبود، بلکه نشانه رفتار توهین آمیز میزبان بود. - برخلاف تبلیغات دولتی ایران، رییس‌دولت



در سه دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران دالما با رویه‌های حاصل فرصت و تهدید مواجه بوده است. از مزیت‌های مهم سیاست خارجی دولت آقای خاتمی، قدرت واکنش درست سیاست خارجی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کنترل تهدیدات بود.

سفر پیام‌رسان کرد این سفر با ایران تمایل و در حقیقت ایران انجام شده و دعوت نامه بر اساس درخواست ایران ارسال شده است.  
- در قطعنامه اجلاس که رییس جمهور ایران با حضور خود به آن اعضای پیشنهادی دیگر اعلامی علیه ایران در مورد جزایر سه‌گانه خلیج فارس تکرار شد.  
- رییس جمهور ایران در این اجلاس، پیشنهادی برای همکاری ارائه کرد و هنگام برگزیده از این پیشنهادها به عنوان یک تحول بزرگ در روابط با این کشورها یاد کرد. البته دور از ذهن نیست از برگزاری چنین اجلاس‌هایی که در این سه‌گانه حوزه‌های امارات، قطر و عمان در پیشنهادی ایران در اجلاس سران شورای همکاری قابل بررسی نیست. به نظر می‌آید اظهارات اخیر رییس جمهوری بود که اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در این زمینه بسیار مثبت است.  
این سفر به عنوان یک نقطه عطف در سیاست و همکاری ایران و امارات در منطقه خلیج فارس و سیاست خارجی ایران در آن منطقه خواهد بود.

فقدان برنامه‌ریزی درست، عدم توافق درست با مقامات کشور میزبان، عدم پیشگیری از رفتار ناشایست قابل پیش‌بینی، عدم توافق درباره محتوای قطعنامه‌ای که پس از سفر رییس جمهور ایران از سوی اجلاس سران منتشر شد و عدم توافق بر سر تشریفات که شایسته رییس جمهور قدرتمندترین همسایه این کشورها در خلیج فارس است، همه نشان می‌دهند برنامه‌ریزی این سفرها بیش از آن که تحت تاثیر یک استراتژی ملی صورت گرفته باشد، تحت تاثیر سیاست‌های خبری و تبلیغاتی روزمره و در چارچوب یک سیاست خارجی ماجراجو، انجام شده است.

#### سفر رییس جمهور به مکه

رییس جمهور اسلامی ایران در سال جاری، چهارمین سفر خود به عربستان سعودی را این بار به قصد شرکت در مراسم حج انجام داد. صرف نظر از ارزش‌های معنوی این سفر زیارتی، می‌توان از جنبه سیاست خارجی به این نکات اشاره کرد:

- چهارمین سفر رییس جمهور ایران به عربستان سعودی در حالی انجام شد که رییس حکومت عربستان سعودی حتی یکی از این سفرها را

پاسخ نداده است.

- هر سال رییس دولت عربستان سعودی از تعدادی از رهبران کشورهای خارجی برای شرکت در مراسم حج دعوت می‌کند. از جمله آقایان خاتمی و هاشمی رفسنجانی مکررا به حج دعوت شده‌اند و به دلایل مرتبط با امور حکومتی از پذیرش آن خودداری کرده‌اند. گفته می‌شود بر خلاف این رویه، این بار مقامات ایران مکررا تمایل رییس جمهور ایران برای شرکت در مراسم حج را به مقامات سعودی گوشزد کرده‌اند.  
- به دلیل سفرهای دیگر رییس جمهور ایران برای شرکت در اجلاس‌های بین‌المللی به عربستان سعودی و دیگر دیدارهای سران دو کشور، هیچ ضرورت و موضوع قابل طرحی برای این سفر وجود نداشته است.

در یک مرور عام‌تر از هشت سفر رییس جمهور به کشورهای حوزه خلیج فارس، امارات عربی متحده، بحرین، قطر و عربستان سعودی، به روشنی می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران طی سی سال حیاتش، در رفتار نسبت به این کشورها تا این حد ضعیف جلوه نکرده است. نمونه‌های مطرح شده به خوبی نشان می‌دهند سفرهای خارجی رییس جمهور ایران در سال ۱۳۸۶ غالباً بی‌هدف بوده و موجب تقویت عزت و منزلت جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان و منطقه نشده است.

**۳. پرونده هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۶**  
قطعنامه سوم شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، آخرین برگ کارنامه عملکرد یک ساله دولت در زمینه هسته‌ای است که در پایان یک سال پر از تبلیغات و جنجال بر سر موفقیت‌های سیاست خارجی در این زمینه صادر شده است. نکات مهم‌تر قطعنامه به این شرحند:

۱. این قطعنامه به شیوه‌ای رسمی‌تر از گذشته صنایع هسته‌ای و نظامی ایران را به هم مرتبط نموده و تحریم‌ها را شامل صنایع هسته‌ای و موشکی ایران گسترده است. یعنی در ادامه بحث‌های مندرج در گزارش البرادعی و پرسش‌های جدید معاون آژانس انرژی اتمی، محتوای اتهامات مطرح در پرونده هسته‌ای ایران را نظامی‌تر از گذشته ساخته است.

۲. این قطعنامه بر بازرسی محموله هواپیماها و کشتی‌های عازم ایران و همچنین هواپیماها و کشتی‌های ایرانی عازم بنادر دیگر تاکید می‌کند.

این تصمیم فرآیند فعالیت‌های تجاری ایران را بسیار مشکل‌تر نموده و دسترسی صنایع مهمی مانند صنایع شیمیایی، نفت و گاز، پتروشیمی، الکترونیک و مخابرات و مانند آن را به مواد اولیه و قطعات و ماشین‌آلات متعارف مورد نیاز، مشکل‌تر از گذشته خواهد ساخت.

۳. این قطعنامه روی عدم همکاری کشورها و بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی جهان با بانک‌های ایرانی، بخصوص بانک‌های ملی و صادرات تأکید کرده است. هر چند این قطعنامه برغم تلاش آمریکا از رویه این کشور در مورد تحریم کامل بانک‌های صادرات و ملی پیروی نکرده، اما افزوده شدن این تحریم به تحریم‌های آمریکا، مشکلات بانک‌های دولتی ایران در خارج از کشور را بیشتر می‌کند و فعالیت بانک‌های ملی و صادرات را مختل خواهد کرد.

۴. این قطعنامه کنترل بانک‌های ایرانی را عمومیت بخشیده و برای اولین بار آن را حتی به بانک‌های خصوصی هم تعمیم داده و هرگونه همکاری مالی و بانکی از جمله تسهیلات، اعتبارات و مبادلات و همکاری شرکت‌های بیمه با ایران را در هر زمینه‌ای، منوط به اطمینان از عدم ارتباط احتمالی با تحریم‌های ایران کرده است. متأسفانه کنترل‌های فراگیر، مشکلات گسترده‌تری برای همه بانک‌های دولتی و خصوصی کشور و به طور کلی نظام بانکی کشور ایجاد کرده و ممکن است به فعالیت بانک مرکزی نیز سرایت کند.

۵. در این قطعنامه ۱۲ شرکت جدید نظامی و غیرنظامی مرتبط با صنایع هسته‌ای به فهرست شرکت‌های ایرانی تحت تحریم و توقیف اموال در سطح بین‌المللی، افزوده شده و تعداد بیشتری از شخصیت‌های نظامی و مسئولان و متخصصان مرتبط با صنایع هسته‌ای ممنوع‌السفر شده‌اند.

۶. در این قطعنامه ضرورت حل مسائل باقی‌مانده ایران با آژانس برای اعتماد بیشتر نسبت به وضعیت صنایع هسته‌ای ایران و باقی ماندن ابهامات درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران تکرار شده است.

۷. البته در این قطعنامه هم مانند همه قطعنامه‌های دیگر، بر توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران تأکید شده است. روشن است این خواسته شورای امنیت سازمان ملل کنار گذاشته نخواهد شد.

همچنین اهمیت نتایج ضمنی ذیل، از بندهای فوق کمتر نیست:

۱. قطعنامه نشان می‌دهد که متأسفانه چیزی در پرونده هسته‌ای ایران پایان نیافته است.

۲. ترتیب آرای شورای امنیت و رای ویتنام لیبی و آفریقای جنوبی علیه ایران، نشان می‌دهد دوستی‌های ایران با کشورهای غیرمتعهد جهان، تنها به رای ممتنع آندونزی، آن هم به خاطر مسائل داخلی‌اش، محدود شده و نمی‌توان حتی در حد یک رای به نفع ایران در شورای امنیت سازمان ملل، روی کشورهای دوست و علاقه‌مند ولی غیرموثر جهان، حساب کرد.

۳. رای روسیه و چین بار دیگر تأیید می‌کند تصور مسئولان کشورمان از حمایت این کشورها از ایران تحت فشار، درست نیست. آنان حداکثر باز هم اندکی محتوای قطعنامه‌ها را به نفع ایران تعدیل خواهند کرد و تصویبش را چندی به تأخیر خواهند انداخت.

۴. قطعنامه در کنار بحث‌های جدید مطرح شده در آژانس انرژی اتمی، نشان می‌دهد در تبلیغات دولتی ایران، حداقل همه واقعیت مربوط به محتوای این گزارش به اطلاع ملت شریف ایران نرسیده است.

۵. قطعنامه در کنار مباحث جدید مطرح شده در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشان می‌دهد پرونده هسته‌ای ایران بیش از پیش، رنگ اتهامات نظامی به خود می‌گیرد.

اکنون پس از تمامی فرصت‌هایی که برای ایران در رابطه با پرونده هسته‌ای‌اش در یک سال گذشته فراهم شد، اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر پرونده این کشور را در مسیر تحریم‌های بیشتر انداخته‌اند. این در حالی است که در یک سال گذشته، تحولات حساس مربوط به تحریم ایران، اقتصاد ایران را به مسیر خطرناکی کشانده است. توقف فعالیت‌های توسعه‌ای ایران در حوزه‌های مختلف به دلیل کناره‌گیری شرکت‌های بزرگ جهان از همکاری با ایران و موکول کردن ادامه همکاری به حل مسائل هسته‌ای ایران، عدم شروع هر نوع پروژه اقتصادی زیربنایی جدید در کشور به دلیل عدم آمادگی شرکت‌های صاحب تکنولوژی برای همکاری با ایران، افزایش شدید هزینه خرید کالا و خدمات برای ایران در اثر افزایش شدید هزینه گشایش اعتبار و خرید کالا از خارج از کشور و موانع مختلفی که فروشندگان برای فروش کالا به ایران دارند، بحرانی شدن فعالیت برخی از صنایع به دلیل موانع تحریمی برای

واردات مواد و قطعات مورد نیاز آنان برای تولید، بحرانی شدن فعالیت شرکت‌های واسطه‌ای تسهیل‌کننده صدور کالا و خدمات به ایران در امارات و سایر کشورهای منطقه به دلیل کنترل سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و کنترل‌های بین‌المللی و مسائلی از این دست، از جمله نتایج اولیه تحریم علیه ایران است.

وضعیت پرونده هسته‌ای ایران به روشنی نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران در سال جاری برغم همه امتیازاتی که در این زمینه به سازمان‌های بین‌المللی و اعضای دائم شورای امنیت داده، موفق نبوده است.

#### ۴. عدم اهتمام به مسائل مربوط به تمامیت ارضی کشور

به طور کلی رفتار سیاست خارجی کشور در دفاع از مباحث ملی و سرزمینی و مسائل مربوط به تمامیت ارضی کشور از جمله سه جزیره ایرانی خلیج فارس، مسائل مرزی ایران و عراق و بحث اروندرود و همچنین رژیم حقوقی دریای خزر منفعلانه و ضعیف بوده است. در بخش‌های پیشین به رفتار دولت در قبال ادعاهای واهی دیگران نسبت به جزایر ایرانی خلیج فارس اشاره شد. در این جا عملکرد دولت در رابطه با خزر مرور می‌شود.

#### اجلاس خزر در تهران

اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران، ظاهراً به ابتکار روسیه برگزار شد. همچنان که اشاره شد، روسیه بیش از هر چیز متوجه اختلافاتش با آمریکا بود و قصد داشت با سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران، به آمریکا نشان دهد اگر در رابطه با استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا تجدیدنظر نکند، ممکن است به ایران نزدیک‌تر شود و البته ترجیح روسیه آن بود که رئیس‌جمهور آن کشور به جای سفر دو جانبه، برای یک اجلاس منطقه‌ای به تهران سفر کند، به همین دلیل پیشنهاد برگزاری اجلاس را مطرح کرد.

صاحب‌نظران حقوقی و سیاسی، اجلاس خزر در تهران را یک پس‌رفت در روند احقاق حقوق ایران در مورد ذخایر زیر بستر دریای خزر می‌دانند. آنان معتقدند ایران در سند نهایی این اجلاس روی مسائل امنیتی، زیست‌محیطی و حتی تروریسم تأکید زیادی کرده و در واقع همه توقعات روسیه از چنین بیانیه‌ای را به طور کامل برآورده است ولی در کنار آن، مسائل ذیل را نادیده گرفته



یا بر سر آن‌ها کوتاه آمده که به دلیل رویه شدن در اجلاس تهران، کار ایران را در احقاق حقوقش گذر زیر بستر دریا مشکل‌تر خواهد کرد.

۱. اجلاس تهران درباره تعیین تکلیف ذخایر زیربستر خزر تقریباً ساکت است. در اعلامیه نهایی، بحث تعیین تکلیف منابع زیربستر دریا کم‌رنگ است و در خود اجلاس هم هیچ نظری از سوی مسئولان ایران در مورد این مساله اصلی مورد اختلافه ابراز نشده است. اتخاذ این روش از سوی ایران در اجلاس تهران عملاً یک عقب‌نشینی نسبت به مواضع محکم گذشته ایران در این رابطه تلقی می‌شود.

۲. ایران پذیرش نهایی مشاع بودن دریای خزر در رژیم حقوقی را منوط به تعیین تکلیف ذخایر زیربستر کرده، اما در این اجلاس برای اولین بار رسماً این شرط را کنار گذاشته و مشاع بودن همه چیز جز منابع زیربستر را به صورت ضمنی پذیرفته است.

۳. یکی از مهم‌ترین مستندات ایران در دعوی حقوقی بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، پیشینه تاریخی خزر و قراردادهای ۱۹۲۱ با روسیه و ۱۹۴۰ با اتحاد شوروی است. در تنظیم اعلامیه رسمی این اجلاس که اولین سند مشترک سران پنج کشور است از ذکر این پیشینه‌های تاریخی خودداری شده است. رییس جمهور قزاقستان در سخنرانی رسمی خود اعلام کرد که با این اجلاس قراردادهای گذشته مربوط به خزر به تاریخ پیوسته است و این مساله با سکوت ایران همراه بود. قطعاً ایران قادر بود حداقل موضع خود را درباره این پیشینه‌های تاریخی در سند تهران به ثبت برساند و روی آن‌ها پافشاری کند؛ واقعا روشن نیست که با توجه به اهمیت بالای حقوقی این پیشینه‌های تاریخی برای مناقشات ناتمام حقوقی ایران در خزر، چرا چنین کوتاهی صورت گرفته است. متأسفانه حقوقدانان آشنا به موضوع، معتقدند عقب‌نشینی ایران در این اجلاس از طرح پیشینه تاریخی و امضای سندی در تهران که هیچ اشاره‌ای به اسناد تاریخی خزر ندارد، می‌تواند دستاویزی برای تضعیف جنبه‌های حقوقی اسناد تاریخی ایران و شوروی در دعوی مربوط به خزر شود. آنان معتقدند با توجه به این که نتایج اجلاس تهران حداقل در مورد ادعاهای ایران رویه خواهد شد، ایران باید موضع خود را در مورد سهمش از ذخایر زیربستر خزر به روشنی و به هر قیمتی

در این اجلاس بیان می‌کرد. واقعیت آن است که این نوع سهل‌انگاری در مصالح ملی، بیش از همه ناشی از خصلت‌های سیاست خارجی ماجراجو و گرفتار تبلیغات و روزمرگی است. آنان اگر قدری تأمل می‌کردند، درمی‌یافتند سفر آقای پوتین به تهران آن قدر برای تاکتیک‌های سیاست خارجی روسیه ضروری بوده که اگر ایران روی موضع صریح خود در مورد ذخایر زیر بستر خزر پافشاری هم می‌کرد، او باز هم به تهران می‌آمد و در مورد محتوای مورد نظر ایران در اجلاس نیز با ایران همراهی می‌کرد.

#### ۵. اتهام حمایت از تروریسم

در سال جاری برغم مذاکرات ایران و آمریکا بر سر حل مشکلات امنیتی عراق، ایران همچنان در راس حامیان تروریسم در جهان و متمم به حمایت از تروریست‌ها در عراق باقی ماند و همچنین اتهام حمایت تسلیحاتی ایران از طالبان در افغانستان نیز به صورت مکرر مطرح شد. هر چند ایران به شدت این اتهامات را رد می‌کند، اما غربی‌ها و بخصوص آمریکا مدعی دستیابی به

اطلاعات قابل استنادی در این مورد هستند و بر ادعاهای خود پای می‌فشینند. با فرض این که با قدری تأمل می‌توان اطمینان داشت که کمک ایران به طالبان و القاعده دور از عقلانیت است و طبعاً صحت ندارد، قرار گرفتن نام ایران در کنار جنایتکاران طالبان که دستشان به خون ایرانیان و مسلمانان شیعه و سنی در افغانستان و پاکستان این نوع بحران‌هاست. آلوده است و در کنار القاعده در عراق و افغانستان و پاکستان که بیش از آمریکاییان، زائران عراقی و ایرانی مرقد امامان معصوم در کربلا و نجف و کاظمین و سامرا را کشته‌اند، موجب تنزل جایگاه جمهوری اسلامی ایران است. گاه تصور می‌شود ایران تحت هر شرایطی گرفتار چنین اتهاماتی بوده و آمریکا همیشه می‌توانسته این اتهامات را به ایران پچسباند و اتهامات امروز نیز تکرار اتهامات گذشته است در حالی که چنین نیست. در دوره اصلاحات، هر چند دولت آقای خاتمی حتی انسدادی هم حمایت‌های معنوی خود را از مردم فلسطین و گروه‌های فلسطینی و مردم و گروه‌های لبنانی بخصوص حزب‌الله لبنان کاهش نداد، سیاست خارجی کشور، با تنبیز درستی که اتخاذ کرد، توانست حساب تروریست‌های جنایتکار القاعده و طالبان را از لبنان و فلسطین جفا کند و نام ایران را به درستی در میان دشمنان جنایتکاران القاعده و طالبان قرار دهد و راه سوءاستفاده آمریکا و اسرائیل را هم ببندد. تداوم اتهامات کنونی علیه ایران و انفعال سیاست خارجی ایران در برابر این اتهامات ناشایست که چهره زشتی از ایران را در کنار القاعده و طالبان به نمایش می‌گذارد، نتیجه ناتوانی سیاست خارجی ایران در مدیریت عرب‌لبنان پس از پیروزی بزرگ حزب‌الله دولت جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی بزرگ حزب‌الله در مقابل اسرائیل، به دوستی با این قهرمان مقاومت جهان اسلام افتخار می‌کرد و از موقعیت برجسته دوستانش در لبنان خشنود بود و احتمالاً به موقعیت‌های برجسته‌تری برای دوستانش در لبنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی می‌اندیشید. اما در سال جاری، موقعیت بی‌نظیر و افتخارآمیز حزب‌الله لبنان و موقعیت ایران به عنوان حامی حزب‌الله، چندان دوام نیاورد. به دلیل سیاست‌های قابل انتقادی که حزب‌الله قهرمان را به کشمکش‌های جزئی سیاسی در لبنان کشاند، تدریجاً پیروزی حزب‌الله ذیل کشمکش‌های بی‌ثمر سیاسی رنگ باخت

و حزب الله قهرمان جهان عرب و جهان اسلام به یکی از جناح‌های رقیب دولت در کشمکش‌های نازل سیاسی لبنان بدل شد. بدتر از آن این که با تداوم این سیاست‌های نسنجیده جمهوری اسلامی ایران از موقعیت برجسته مرجعیت همه جناح‌ها و گروه‌های مسلمان و غیرمسلمان لبنانی بخصوص در شرایط بحرانی، به شریک سیاسی حزب الله گرفتار در کشمکش‌های کم‌ارزش و فرسایشی این کشور جنگ‌زده بدل شد. ایران که در بحرانی‌ترین شرایط لبنان نقشی فراتر از گروه‌ها ایفا کرده بود، امسال برای اولین بار به حامی یک جریان و رقیب و مخالف سایر جریان‌های سیاسی در لبنان تبدیل گشت.

این تحول حتی اگر به مشکلات بیشتری برای ایران و حزب الله نینجامد، پس از آن پیروزی بزرگ حزب الله در مقابل اسرائیل، شکستی سیاسی برای حزب الله و شکستی برای سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. تجربه لبنان نشان می‌دهد در سیاست خارجی پرتش کشورهای خاورمیانه گاه فاصله فرصت‌ها و تهدیدها بسیار اندک است و ممکن است تدبیرهای نادرست سیاسی، گروهی مانند حزب الله را از لوج جایگاه قهرمانی مقاومت در مقابل اسرائیل، به منجلاط کشمکش‌های سیاسی گاه بسیار سطحی فروکشاند و ایران را از مرجعیت امور لبنان به یکی از طرفین مجادله فرسایشی و بحران‌ساز برای مردم لبنان تنزل دهد.

#### ۷. انتخابات پاکستان و ترکیه و ایران

هر چند انتخابات یک موضوع داخلی است، اما سیاست خارجی هیچ کشوری نمی‌تواند از تبعات تحولات داخلی کشورش در امان بماند و تبعات روابط خود را در جهان بی‌توجه به آن ترسیم کند. در سال ۱۳۸۶ سه انتخابات متفاوت در سه کشور منطقه غرب آسیا امکان مقایسه این انتخابات را برای جامعه جهانی فراهم کرد. طیما این مقایسه به جامعه جهانی که خواه ناخواه نظام دموکراسی را بر نظام‌های دیکتاتوری ترجیح می‌دهد اجازه می‌دهد درباره ساختار دموکراسی در این کشورها قضاوت کند و وجود شاخص‌های دموکراسی در کشورها را ارج بنهد. در سال ۱۳۸۶ انتخابات ترکیه و عدم دخالت نظامیان، برغم آن که پیروزی یک رئیس‌جمهور اسلامگرا را برای کشورشان فاجعه می‌دانستند و احترام آنان به رای مردم، موقعیت این کشور

را به عنوان یک نمونه دموکراسی در جهان و جهان اسلام تقویت کرد.

در ماه‌های آخر سال ۱۳۸۶ انتخابات پاکستان پس از فراز و نشیب‌های گاه خونین این کشور و نهایتاً تسلیم شدن نظامیان در برابر ضرورت حاکم بودن دموکراسی و رای واقعی مردم در کشور که به شکست سخت جناح حامی رئیس‌جمهور نظامی این کشور منجر شد و عدم دخالت نظامیان برغم نتایج نامطلوب انتخابات از نظر آنان، زمینه بازگشت وجهه دموکراسی به این کشور را فراهم کرد. در پایان سال ۱۳۸۶ انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، رد صلاحیت فله‌ای نامزدهای رقیب جناح حاکم، وجهه مردم‌سالاری دینی در ایران را خدشه‌دار کرد و بخصوص وجاهت جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک الگوی دموکراسی واقعی سازگار با دین در جهان اسلام تضعیف نمود. ناتوانی یا عدم تمایل دولت به دفاع از ملاک‌های مردم‌سالارانه جمهوری اسلامی ایران، منجر به مخدوش شدن عزت و منزلت مردم‌سالارانه جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان شد.

#### سخن آخر

بر اساس آنچه تا این‌جا گفته شد، کارنامه سال ۱۳۸۶ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از کارنامه سال ۱۳۸۵ آن بهتر نیست. هر چند همچنان بزرگ‌ترین شکست‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی متعلق به سال ۱۳۸۵ است اما سیاست خارجی ماجراجوی کشور در سال ۱۳۸۶، برای جبران شکست‌هایش، به روش‌هایی روی آورد که به انفعال در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی کشیده شد و موجب تنزل جایگاه جمهوری اسلامی ایران گشت. تنها می‌توان امیدوار بود این وضعیت تلخ، خردمندان کشور را بیشتر به خود آورد و آنان را وادار کند به دولت فشار آورند تا به خاطر تبلیغات و هیجانات روزمره رسانه‌ای، بیش از این از عزت و منزلت نظام اسلامی در جهان خرج نکند و بیشتر به نتایجی بیندیشد که خواه ناخواه در کارنامه این دولت و برای همیشه در تاریخ این مرز و بوم به ثبت می‌رسد و باقی می‌ماند.

\* عضو هیات علمی دانشگاه و معاون وزیر خارجه دولت خاتمی